

اخلاص



شکوفایی استعدادهای گوناگون انسان که در هر روز و آنی ابعاد تازه ای از آن آشکار می گردد و انسان را از مرحله ای به مرحله دیگر وارد می سازد و با دریایی مواج از استعداد ها و ابعاد به ودیعت گذاشته در وجودش روبرو می گرداند ، این امر یک راه بیشتر فرا روی انسان قرار نمی دهد

شکوفایی استعدادهای گوناگون انسان که در هر روز و آنی ابعاد تازه ای از آن آشکار می گردد و انسان را از مرحله ای به مرحله دیگر وارد می سازد و با دریایی مواج از استعداد ها و ابعاد به ودیعت گذاشته در وجودش روبرو می گرداند ، این امر یک راه بیشتر فرا روی انسان قرار نمی دهد ، اینکه با معرفت نفس به معرفت پروردگارش نایل گردد **قَالَ التَّيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ ثُمَّ عَلَيْكَ مِنَ الْعِلْمِ بِمَا لَا يَصِحُّ الْعَمَلُ إِلَّا بِهِ وَهُوَ الْإِخْلَاصُ؛** هر که خود را (از روی علم و دانش) شناخت پروردگارش را (هم از روی علم و دانش) شناخته پس (از شناختن پروردگار از روی علم و دانش) بر تو باد به علم و دانش به آنچه که جز به آن عمل و کار (هر کس) صحیح و درست نیست ، و آن علمی که جز به آن عمل و کار درست نیست اخلاص و پاکدلی است (عمل از روی علم و دانش یعنی از روی اخلاص بجا آورده شود، نه از روی رثاء و خودنمایی) .

نیل حقیقی به معرفت نفس جز از طریق معرفتی که خدای تبارک و تعالی می نمایاند ، ممکن و میسر نخواهد بود . بنابراین به ضرورت معرفت نفس باید معرفت به خدا داشته ودر تحصیل آن کوشید و این نیز فراهم نمی آید مگر آنطور که حضرت باریتعالی خویش را معرفی می فرماید و بر این اساس انسان عارف به نفس در برابر عظمت پروردگار عالمیان منقاد و مطیع بوده و انقیادش به نسبت معرفت خواهد بود تا خدایی و خدایی تر گردد و در این میان آیات آفاقی و انفسی بستر معرفت خدا را فراهم می آورد **«؛ سَتَرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنفُسِهِمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمُ أَنَّهُ الْحَقُّ أَ وَ لَمْ يَكْفُرْ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ؛** به زودی نشانه‌های خود را در افقها [ی گوناگون] و در دل‌هایشان بدیشان خواهیم نمود ، تا برایشان روشن گردد که او خود حق است. آیا کافی نیست که پروردگارت خود شاهد هر چیزی است؟ (فصلت/ 53) مطالعه در آیات الهی دانشی مطمئن و تزلزل ناپذیر در اختیار او قرار می دهد تا درعمل باطمینان ی خاطر گام بردارد و هیچ دغدغه ای در دل نداشته باشد **«؛ تَبَيَّنَ مِنَ أَنفُسِهِمْ؛** استواری روحشان « . (البقرة/ 265) **«؛ قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ لِيُثَبِّتَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ هُدًى وَ بُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ؛** بگو: **«؛** آن را روح القدس از طرف پروردگارت به حق فرود آورده ، تا کسانی را که ایمان آورده‌اند استوار گرداند، و برای مسلمانان هدایت و بشارتی است. « (النحل/ 102) چون **«؛ صِبْغَةَ اللَّهِ وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَ نَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ؛** این است نگارگری الهی و کیست خوش‌نگارتر از خدا؟ و ما او را پرستندگانیم « . (البقرة/ 138) و به در گاه ربوبی حضرتش نزدیکتر می نماید **«؛ ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى؛** سپس نزدیک آمد و نزدیکتر شد «. (النجم/ 8) و هر چه می نگرد جز خدا چیزی نمی بیند **«؛ وَ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَ الْمَغْرِبُ فَأَيْمَا تُلَوتُمَا تُؤَلُّوَا فَمَنْ جَعَلَ اللَّهُ الْوَاسِعَ عَالِمٌ؛** و مشرق و مغرب از آن خداست پس به هر سو رو کنید، آنجا روی [به] خداست. آری، خدا گشایشگر دانااست . (البقرة / 115) و ارزش هر چیزی را از خدا می داند **«؛ لَيْلَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْقَهَّيُ الْخَمِيدُ؛** آنچه در آسمانها و زمین است از آن خداست، در حقیقت ، خدا همان بی‌نیاز ستوده [صفات] است . (لقمان/ 26) و غیباو را فقیرو نیازمند مطلق می بیند **«؛ يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَ اللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْخَمِيدُ؛** ای مردم، شما به خدا نیازمندید، و خداست که بی‌نیاز ستوده است . (فاطر/15) که ارزش دل بستن را ندارد و به خودی خود استقلال داشته و کاری از پیش نمی برد **«؛ قُلْ إِنِّي لَا أُمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَ لَا رَحْمَةً؛** بگو: **«؛** من برای شما اختیاریان و هدایتی را ندارم . «(الجن/ 21) بطوری که نه می تواند خبری را برای خود فراهم آورد و نه شری را از خود دفع نماید چون اگر خدا خیر و شر را نمایند انسان توان تمییز خیر و شر را ندارد **«؛ وَ أَنَا لَا نَذِيُّ أَ شَرُّ أَرِيدُ يَمَنُ فِي الْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَحْمَةً؛** و ما [درست] نمی‌دانیم که آیا برای کسانی که در زمینند بدی خواسته شده یا پروردگارشان بر ایشان هدایت خواسته است؟ .(الجن/ 10) **«؛ عَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَ عَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَ اللَّهُ يَعْلَمُ وَ أَنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ؛** بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و آن برای شما خوب است، و بسا چیزی را دوست می‌دارید و آن برای شما بد است، و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید. (البقرة / 216) و این ها همه جز در سایه رهنمود باریتعالی نمی تواند بر انسان چهره بنماید **«؛ وَ كَذَلِكَ لَرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ لَيَكُونَنَّ مِنَ الْمُوقِفِينَ؛** و این گونه ، ملکوت آسمانها و زمین را به ابراهیم نمایانید تا از جمله یقین‌کنندگان باشد. (الأنعام / 75) « انسان بدون خدا معنی ندارد و ارزشی نمی تواند داشته باشد که تمام ارزش ها از اوست و براینکه معنی یابد بایددرتمام حالات خود را بر او عرضه نماید **«؛ قُلْ إِنْ صَلَاتِي وَ نُسُكِي وَ مَخْيَايَ وَ مَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ .** بگو: **«؛** درحقیقت، نماز من و [سایر] عبادات من و زندگی و مرگ من، برای خدا، پروردگار جهانیان است. (الأنعام/ 162) **«؛ الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ وَ الَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَ يَسْقِينِ وَ إِذَا مَرَضْتُ فَهُوَ يَشفِينِ** ؛ « آن کس که مرا آفریده و همو راهنماییم می‌کند، و آن کس که او به من خوراک می‌دهد و سیرابم می‌گرداند،و چون بیمار شوم او مرا درمان می‌بخشد، (الشعراء/ 80/79/78) هر کمال که بر انسان متصور است ناشی از فضل اوست **«؛ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي؛** این از فضل پروردگار من است « . (النمل/ 40) ؛ **«؛ ذَلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللَّهِ وَ كَفَى بِاللَّهِ عَالِمًا؛** این تفضل از جانب خداست، و خدا بس دانااست . (النساء/ 70) **«؛ رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمَلِكِ وَ عَلَّمْتَنِي مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ؛** پروردگارا، تو به من دولت دادی و از تعبیر خواها به من آموختی. ای پدیدآورنده آسمانها و زمین. «(یوسف/ 101) و این دلیل است که بشر در تمام زمانها و مکانها در فضای آکنده از لطف و فضل الهی قرارداد و برای برخورداری از این الطاف باید بستر را به دست خود فراهم آورد و خود را از آلودگی میرا سازد تا فرصت جذب و تعالی دست دهد و این نیز بر اساس فرامین الهی باشد **«؛ ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَ خُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ؛** پروردگار خود را به زاری و نهانی بخوانید که او از حد گذرندگان را دوست نمی‌دارد. (الأعراف/ 55) اگر چنین نکند متجاوز است چون این جهان ظرفیت تمام کمالات را ندارد و کمالات مختص زندگی دنیوی و گذارا نمی باشد و در عمل به مرتبه ای که دست یافت بدان بسنده نکند و بر استمرار و تداوم کمالات اصرار کند و الحاق به صالحین را از خدا بخواهد **«؛ أَنتَ وَلِيُّنَا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَ الْحَقْنِي بِالصَّالِحِينَ** ؛ تنها تو در دنیا و آخرت مولای منی مرا مسلمان بمیران و مرا به شایستگان ملحق فرما. «(یوسف/ 101) دانش موجود تشنگی اورا فرو نمی نشاند وداشته هایش قانع نمی نماید و ازطلب دانش باز نمی دارد **«؛ رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَ الْحَقْنِي بِالصَّالِحِينَ؛** پروردگارا، به من دانش عطا کن و مرا به صالحان ملحق فرمای، (الشعراء/ 83)

آری این چنین انسانها هر چه دارند خالصا مخلصا از خدا می دانند که آغازش از اوست **«؛ اَنَا لِلَّهِ** و سرانجامش بدوست **«؛ وَ اَنَا إِلِيهِ رَاجِعُونَ** « و از سر صدق حنیفا مسلما **«؛ مَا كَانَ إِبْرَاهِيمَ يَهُودِيًّا وَ لَا نَصْرَانِيًّا وَ لَكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ؛** ابراهیم نه یهودی بود و نه نصرانی، بلکه حق‌گرای بی‌فرمانبردار بود، و از مشرکان نبود. (آل‌عمران/ 67) در عبودیت پروردگار عالمیان می کوشند و سر پا ز نمی شناسند و هرچه دارند در این راه از آن می گذرند ودر تحقق امر الهی حتی از عزیزترین خود نیز می گذرند و عزیزترین خودرا می بخشند **«؛ فَمَا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيُ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانْظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ؛** و وقتی با او به جایگاه **«؛ سَعْيُ»** رسید، گفت: **«؛** ای پسرک من! من در خواب [چنین] می‌بینم که تو را سر می‌بُزم، پس ببین چه به نظرت می‌آید؟» گفت: **«؛** ای پدر من! آنچه را مأموری بکن. ان شاء الله مرا از شکیبایان خواهی یافت. «(الصافات/ 102) و چشمداشتی ندارند **«؛ إِنَّمَا نَطْعِمُكُمْ لِرُوحِهِ اللَّهِ لَا فِرْدٌ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا تَنْكُرًا؛** ما برای خشنودی خداست که به شما می‌خورانیم و پاداش و سپاسی از شما نمی‌خواهیم « . (الإنسان/ 9) و ارزشی به آنها نمی دهند و منتی از بابت بخشش نه بر خدا که بر ولی خدا ندارند **«؛ وَ لَا تَمُنَّ بِتَسْتَكْبِرُ؛** و مت مغدار و فرونی مطلب . (المذثر/ 6) بر خلاف آنان که به کمترین حرکت خود منت ها بار می کنند **«؛ يَمْتُونُ عَلَيْكَ أَنْ أُسْلِمُوا قُلْ لَا تَمُوتُوا عَلَيَّ إِسْلَامُكُمْ بَلِ اللَّهُ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ أَنْ هَدَاكُمْ لِلْإِيمَانِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ؛** از اینکه اسلام آورده‌اند برتو منت می نهند بگو: **«؛** برمن از اسلام‌آوردنتان منت مگذارید، بلکه [این] خداست که با هدایت کردن شما به ایمان، بر شما منت می‌گذارد، اگر راستگو باشید. (الحجرات : 17) باز اگر داشته باشند دراحیای شعائر

الهی خرج کنند چون همه را او به فضل و رحمتش عطا کرده است « و **لَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَتُهُ وَ أَنْ اللَّهَ رَزَقَهُ رَحِيمٌ** ؛ و اگر فضل و رحمت خدا بر شما نبود و اینکه خدا رثوف و مهربان است [مجازات سختی در انتظارتان بود]. (النور/ 20)

اینان در حصار زمان و مکان نیستند و رنگ و بوی زمان و مکان نمی گیرند هرچند درآن زندگی می کنند چرا که زمان و مکان از وجود آنان زینت می یابند و ارزش خود را مدیون وجود آنان هستند « **إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ** ؛ ما آسمان این دنیا را به زیور اختران آراستیم. (الصفات/ 6) « و **لَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِبَصَائِحَ وَ جَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِلشَّيَاطِينِ وَ أَتَعَذَّلْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ** ؛ و در حقیقت، آسمان دنیا را با چراغهایی زینت دادیم و آن را مایه طرد شیاطین [قوای مزاحم] گردانیدیم و برای آنها عذاب آتش فروزان آماده کرده ایم. (الملک/ 5)

«#171؛ حقیقت اخلاص « « **وَ لَنْ نَكُنْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِينَةً نُسْقِيكُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهِ مِنْ بَيْنِ فَرْثٍ وَ دَمٍ لَبَنًا خَالِصًا سَائِغًا لِلشَّارِبِينَ** ؛ و در دامها قطعاً برای شما عبرتی است: از آنچه در [لابلای] شکم آنهاست، از میان سرگین و خون، شیریی ناب به شما می نوشانیم که برای نوشندگان گواراست. (النحل : 66) ، « **بَيِّضَاءَ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ** ؛ [باده ای] سخت سپید که نوشندگان را لذتی [خاص] می دهد (الصفات/ 46) « **مِثْلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَ أَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ وَ أَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ وَ أَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى وَ لَهُمْ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَ مَغْفَرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ مِثْلُ** ؛ بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده [چون باغی است که] در آن نهرهایی است از آبی که [رنگ و بو و طعمش] برنگشته و جویهایی از شیریی که مزه اش دگرگون نشود و رودهایی از باده ای که برای نوشندگان لذتی است و جویبارهایی از انگبین ناب. و در آنجا از هر گونه میوه برای آنان [فراهم] است و [از همه بالاتر] آموزش پروردگار آنهاست. (محمّد/ 15) را دریافتند یعنی «#171؛ نیت را ازهرگونه شرک خفی و جلی پاک داشتند . و «#171؛ به حمد و ثنای کس دل نبسته اند « و بدان خاطر دست به عملی نزده اند «#171؛ ان لكل حق حقيقة و ما بلغ عبدحقيقة الاخلاص حتى لا يحب ان يحمدعلى شى ء من عمل لله « ؛ هر حقیقتی نشانه ای دارد، هیچ بنده ای به حقیقت اخلاص نمی رسد مگر زمانی که دوست نداشته باشد که او را به خاطر اعمال الهی اش بستانید. « هرچه بود«#171؛ **لله** « و «#171؛ **لوجه الله** « بود و«#171؛ **ابتغاء مرضات الله** « ، «#171؛ **وَ مِنْ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَ اللَّهُ رَزَقَهُ الْعَالِيَاءِ** ؛ و از میان مردم کسی است که جان خود را برای طلب خشنودی خدا می فروشد، و خدا نسبت به [این] بندگان مهربان است . (البقرة : 207) « **يُتَفَقَّهُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَ تَثْبِيتًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ** ؛ کسانی که اموال خویش را برای طلب خشنودی خدا و استواری روحشان انفاق می کنن « . (البقرة : 265) « **إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَى** ؛ جز خواستن رضای پروردگارش که بسی برتر است [منظوری ندارد] « . (اللیل : 20)

درتمام مراحل حیات خود اخلاص را وجه ی همت دارند یعنی در قبل عمل ودر حین عمل و بعدعمل هرگز از اخلاص و خلوص نیت غفلت نکرده اند و مراتب عالی اخلاص که اخلاص صدیقین باشد به اخلاص درنیت و عمل و حفظ و پاسداشت آن طی طریق کرده اند و به صفت «#171؛ مخلصین « در لسان وحی متصف گشته اند «#171؛ **وَ لَقَدْ هَمَّتْ يَهُ وَ هَمَّ بِهَا لَوْ لَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذَلِكَ لِيَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَ الْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ** ؛ و در حقیقت [آن زن] آهنگ وی کرد، و [یوسف نیز] اگر برهان پروردگارش را ندیده بود،آهنگ او می کرد.چنین [کردیم] تا بدی و زشتکاری را از او بازگردانیم، چرا که او از بندگان مخلص مایبود.(یوسف/24)

اگرچه در بین آنان فرقی نیست «#171؛ **قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَ مَا أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَ مَا أُنْزِلَ إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَ إسماعِيلَ وَ إسحاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ الْأَسْبَاطِ وَ مَا أَوْتِيَ مُوسَى وَ عِيسَى وَ مَا أَوْتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ** ؛ بگویید: «#171؛ ما به خدا، و به آنچه بر ما نازل شده، و به آنچه بر ابراهیم و اسحاق و یعقوب و اسباط نازل آمده، و به آنچه به موسی و عیسی داده شده، و به آنچه به همه پیامبران از سوی پروردگارشان داده شده، ایمان آورده ایم میان هیچ یک از ایشان فرق نمی گذاریم و در برابر او تسلیم هستیم . « (البقرة/ 136) ولی مخلصین درمیان خود ذومراتب هستند «#171؛ **تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَ اللَّهُ وَ رَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ وَ أَتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَتَاتِ وَ أَيْدِنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ** ؛ برخی از آن پیامبران را بر برخی دیگر برتری بخشیدیم. از آنان کسی بود که خدا با او سخن گفت و درجات بعضی از آنان را بالا برد و به عیسی پسر مریم دلایل آشکار دادیم، و او را به وسیله روح القدس تأیید کردیم . (البقرة/ 253) که برخی را آرزوی الحاق است به برخی که صلوح اند «#171؛ **أَنْتَ وَلِيِّيَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ تَوْفَنِي مُسْلِمًا وَ أَحِقِّقْ لِي الصَّالِحِينَ** ؛ تنها تو در دنیا و آخرت مولای منی مرا مسلمان بمیران و مرا به شایستگیان ملحق فرما. « (یوسف/101) هرچند علم آنان از خداست و برخداست ، افضلیت برخی از آنان در علم نیز عیان است که برخی بر برخی باذن الله مقام معلمی دارد اما افضل آنها بالاتر از این است «#171؛ **عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَى** ؛ آن را [فرشته] شدید القوی به او فرا آموخت « . (النجم/ 5)

اما نباید فراموش کرد که رسیدن به این مقام منیع و منزلتی عظیم یعنی اخلاص ، خالی از موانع و راهزن نمی باشد و باید با تمام هوش و ذکاوت آنها را رصد کرد و خود را از آنها در امان داشت که شرک ازجمله ی آنهاست «#171؛ **إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَ يَغْفِرُ مَا دُونِ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ افْتَرَى إِثْمًا عَظِيمًا** ؛ مسلماً خدا، این را که به او شرک ورزیده شود نمی بخشاید و غیر از آن را برای هر که بخواهد می بخشاید ، و هر کس به خدا شرک ورزد، به یقین گناهی بزرگ برافته است « . (النساء/ 48) « **وَ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا** ؛ قطعاً دچار گمراهی دور و درازی شده است « . (النساء/116)

اخلاص آثار و ثمراتی به دنبال دارد که بر اساس آیات و روایات هردوحیات دنیوی و اخروی انسان را در بر می گیرد وطمأنینه خاصی بر دل راه یافتگان بر این مقام می بخشد و آینده ای روشن و پر از نور وامید فراوری او قرار می دهد . وبا بر شمردن دلایل وجودی مخلصین از انسانهایی که بر این مقام دست یافته اندیاد می کند و به عنوان الگو به انسانها معرفی می کند «#171؛ **لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا** ؛ قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست: برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می کند.. (الأحزاب/ 21)

قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست: برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می کند. (21) «#171؛ **قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَ الَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَّاءُ مِنْكُمْ وَ مِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَ بَدَا لَنَا مِنْكُمْ الْبَغَاوَةُ وَ الْبَغْيَاءُ أَتَدْرِكُونَ حَتَّى تُولَمُوا بِاللَّهِ وَحْدَهُ** ؛ قطعاً برای شما در [پیروی از] ابراهیم و کسانی که با اویند سرمشقی نیکوست: آن گاه که به قوم خود گفتند: «#171؛ ما از شما و از آنچه به جای خدا می پرستید بیزاریم. به شما کفر می ورزیم و میان ما و شما دشمنی و کینه همیشگی پدیدار شده تا وقتی که فقط به خدا ایمان آورید. « (المتحنة/ 4) ؛ «#171؛ **لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ مَنْ يَقُولْ فَلَنْ اللَّهَ هُوَ الْعَقِيُّ الْخَمِيدُ** ؛ قطعاً برای شما در [پیروی از] آنان سرمشقی نیکوست [یعنی] برای کسی که به خدا و روز بازپسین امید می بندد. و هر کس روی بربتابد [بداند که] خدا همان بی نیاز ستوده [صفات] است « . (المتحنة/ 6) تا انسانها با آرامش خاطر و امیدوی تحقق یافتنی قدم در وادی اخلاص نهند و به کسب مراتب بپردازند و از هر گونه دغدغه ای دل فارغ دارند . **کمال بارعی**